

عوامل موثر بر پیوستگی و گسستگی قوم‌گرایی سیاسی^۱

دکتر محمدرضا شادرو*

حسین محمدزاده**

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۱۵

چکیده

در چند دهه اخیر قوم‌گرایی عامل بی‌ثباتی، درگیری و بحران در مناطق گوناگون جهان بوده است. در تاریخ معاصر ایران نیز هر از گاهی شاهد بروز و ظهور قوم‌گرایی و مشکلات ناشی از آن در میان اقوام ایرانی و از جمله کردها بوده‌ایم. هدف از پژوهشی که برای نوشتن این مقاله به انجام رسیده تعیین

^۱ - این مقاله بخشی از داده‌های رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی است.

* . استادیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. shadroumr@yahoo.com

** . دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

عوامل مرتبط با قوم‌گرایی سیاسی در میان کردهای ایران بوده است. چارچوب نظری تحقیق تلفیقی بوده که مجموعه متغیرهای تفکیک، تبعیض و تفهیم مرتبط با قوم‌گرایی را در بر می‌گیرد. روش پژوهش از نوع پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جمعیت آماری پژوهش کلیه مردان ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام را شامل می‌شود که نمونه‌ای با حجم ۸۰۰ نفر به شیوه احتمالی از آن انتخاب شده است. نتایج ناشی از آزمون پژوهش نشان داد که میان عواملی چون نوع گویش‌های زبان‌کردی (اورامی، کلهری، سورانی و کرمانجی)، نوع‌مذهب (سنی، شیعه، یارسان) رسانه مصرفی (تلویزیون) و احساس تبعیض (سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اقتصادی) با قوم‌گرایی سیاسی مردم مناطق یاد شده رابطه معناداری وجود دارد. اما محل پرورش فرد (شهر، روستا) با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه معناداری ندارد. اجرای عدالت و رفع نابرابری‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی، بازبینی فرایند گردش نخبگان قومی و مشارکت دادن بیشتر آنان در مدیریت کشور، می‌تواند آسیب‌های ناشی از قوم‌گرایی سیاسی را کاهش دهد. واژه‌های کلیدی: قوم‌گرایی سیاسی، احساس تبعیض، مذهب، گویش، کردهای ایران.

مقدمه و طرح مساله

موضوع این مقاله قوم‌گرایی سیاسی در میان کردهای ایران و عوامل مرتبط با آن است. "گروه‌های قومی بر اساس مشخصه‌هایی همچون دین، زبان و ویژگی‌های جسمی^۱ از یکدیگر متمایز می‌شوند" (Jandt, ۱۹۹۵: ۱۲). قوم‌گرایی به "دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند اطلاق می‌شود" (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۶۰).

^۱ . Physical Features

قوم‌گرایی سیاسی یکی از گونه‌های قوم‌گرایی است. قوم‌گرایی سیاسی علاوه بر تلاش برای حفظ تمایز فرهنگ قومی، خواهان مشارکت در قدرت سیاسی بر اساس مولفه قومی است. قوم‌گرایی سیاسی و پیامدهای آن در دهه‌های اخیر مسبب مسائل و مشکلات مالی و انسانی چشمگیری در اقصی نقاط جهان بوده است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۶؛ سایبر، ۲۰۰۸: ۸؛ Esman, ۲۰۰۴: ۱؛ Bugajski, ۱۹۹۵). متفکران این روند قوم‌گرایی در جهان را، رو به رشد و آن را بسیار با اهمیت قلمداد کرده‌اند. "با از میان رفتن نظام دو قطبی، جنگ‌های به وکالت از قدرت‌ها، جای خود را به مخاصماتی با ریشه‌های مذهبی یا قومی دادند" (ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۴: ۱۸). "در دنیای پس از جنگ، درگیری ایدئولوژیک میان کمونیسم و دموکراسی دیگر وجود نخواهد داشت و این درگیری‌ها جای خود را به مخاصمات میان گروه‌ها، مذاهب و قومیت‌های گوناگون خواهد داد" (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۳۵). به تعبیر تافلر "خیزش قومیت‌ها" یکی از ویژگی‌های آینده جهان می‌باشد (تافلر، ۱۳۷۰: ۴۲۵).

تنوع قومی پدیده‌ای جهانی بوده و قوم‌گرایی و خواست‌ها و تنش‌های ناشی از آن نیز جهانی محسوب می‌شود. "در سال ۱۹۹۴ حدود یک ششم جمعیت جهان (۹۸۹ میلیون نفر) به ۲۹۲ گروه قومی تعلق داشتند که اعضاء آنها اشکال آشکار و گوناگون تبعیض را تجربه کرده یا برای دفاع از منافع جمعی خود در برابر دولت‌هایی که مدعی حاکمیت بر آنها بودند، دست به اقدامات سیاسی زده بودند" (گر، ۱۳۷۶: ۵۴). خواست‌های سیاسی اقلیت‌های قومی همیشه مدنی و از راه گفتگو قابل حل نبوده و به علت قابل مذاکره نبودن موضوع، به درگیری و خشونت انجامیده است. "پس از خاتمه جنگ سرد، ۹۶ جنگ و مخاصمه در جهان روی داده است که ۹۱ مورد آن مربوط به جنگ‌های داخلی (قومی) بوده است. پیک می‌نویسد که در نتیجه این مخاصمات نزدیک به ۲۰ میلیون نفر کشته شده‌اند که بیش از ۷۰ درصد قربانیان به جنگ‌های قومی اختصاص دارد (Peak, ۱۹۹۸: ۲۵-۲۹). به همین جهت مطالعات قومی^۱

^۱. Ethnic studies

برای کندوکاو در ابعاد این مساله طی سالهای اخیر رشد کمی و کیفی داشته است (اسمیت وهاچینسون، ۱۳۸۶؛ احمدی، ۱۳۷۸؛ کوه شکاف، ۱۳۸۰: ۲۱۲). در واقع هر چه "از ابتدای قرن بیستم به پایان آن نزدیک می‌شویم مباحث نژادی و قومیتی در بسیاری از متون نمود بارزتری پیدا می‌کنند" (بالمر و سولوموز، ۱۳۸۱: ۱۴).

شواهد موجود نشان دهنده آن است که تنوع قومی واقعیتی جهانی است و در این میان تنوع قومی در ایران یک استثناء نیست. بنا به نظر برخی اندیشمندان، ایران جامعه‌ای چند قومی است که حدود پنجاه درصد از شهروندان آن غیر فارس هستند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۶؛ ماتیل، ۱۳۸۳: ۱۰۰۴).

مسئله قومیت در ایران از جمله مسائل مهم در صد سال گذشته و به ویژه پس از مشروطه بوده است. "مسئله قومی در ایران جزء یکی از مهمترین مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر به شمار می‌آید که عمدتاً در حوزه سیاسی متبلور شده است" (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). در ایران "شکاف قومی در میان چهار قوم (از جمله قوم کرد) فعال شده است" (Remzanzadeh, ۱۹۹۴). فعال شدن شکاف^۱ بدین معناست که بر مبنای آن "حزب یا گروه تشکیل شده است" (بشیری، ۱۳۷۴). فعال شدن شکاف قومی در کردستان ایران در دهه‌های اخیر چشمگیر و به قولی "عامل ۱۵۱۴ درگیری بوده است" (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۰۵).

گرچه کردها در طول تاریخ از مدافعان سرزمین، مردم و فرهنگ ایران زمین بوده‌اند اما در مقاطعی از تاریخ شاهد گرایش‌های خاص قومی (جنبش سمیتقو، جمهوری مهاباد ۱۳۲۴، و تقاضاهای قومی بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷) در میان ایشان بوده‌ایم. بر اساس شاخص بندی گر، جنبش قومی کرد در ایران جزء جنبش پایدار بوده و "عامل مرگ ۴۰۰۰۰ نفر بوده است" (Gurr, ۱۹۹۳). این جنبش از نظر قدمت و پایداری شاخص‌ترین جنبش فعال قومی است (احمدی، ۱۳۷۸). جالب این که "

^۱ - فعال شدن شکاف بدین معناست که بر مبنای آن حزب یا گروه تشکیل شده است و این شکاف فعال شده چیزی جز قومگرایی سیاسی نیست.

احساس ملی مبتنی بر قومیت در میان کردها، نخستین بار در میان کردهای ایران جلوه و بیان یافته است" (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۳۹۵). اهمیت این قضیه هنگامی بیشتر می‌شود که بدانیم "زمینه‌های چنین بحران‌هایی همچنان در جامعه ایران خود نمایی می‌کند" (عبداللهی؛ حسین بر، ۱۳۸۵: ۶). در این رابطه پرسش‌های مهمی مطرح می‌شود: که آیا قوم‌گرایی سیاسی ناشی از عوامل فرهنگی است یا نتیجه تبعیض و انحصار و یا این که ناشی از آثار تکنولوژی ارتباطی است؟ هدف پژوهش انجام گرفته، بررسی تأثیرات این عوامل بر قوم-گرایی سیاسی در میان کردهای ایران بوده است.

پیشینه پژوهش‌های تجربی:

در داخل و خارج از کشور، پژوهش‌های متعددی در رابطه با قوم‌گرایی کردها صورت گرفته است. در این پژوهش‌ها قوم‌گرایی به صورت عام مورد مطالعه قرار گرفته و گونه‌های آن تفکیک نشده است. در ادامه به بخشی از مهمترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

جلایی پور (۱۳۷۲) در پژوهش خود دو مساله را از هم تفکیک کرده است، مساله کردستان که به زعم پژوهشگر، به نوعی پذیرفتنی است و بحران کردستان، که به شکل درگیری نظامی پس از انقلاب اسلامی استمرار یافته است. روش پژوهش او به زبان امروز، ترکیبی^۱ بوده و از اسناد و مدارک، مصاحبه و تجربه شخصی استفاده کرده است. مساله پژوهشگر "بحران و درگیری کردستان" بوده و عوامل موثر بر آن را چنین بر شمرده است: همبستگی کردی، احزاب سیاسی کردستان (کومله و دموکرات)، موقعیت برون مرزی (اقوام در حاشیه کشور قرار دارند)، جغرافیای سیاسی، سیاست ویژه امنیتی دولت. از نظر پژوهشگر "کردها در بُعد سیاسی در پی تعیین حق سرنوشت

^۱ . Mixed Methodology

(خودمختاری) و در بُعد فرهنگی در پی رسمیت بخشیدن به زبان، خط، لباس و آداب و رسوم خود هستند" (جلایی پور، ۱۳۷۲: ۲۰).

احمدی (۱۳۷۸) ضمن بررسی سیاسی شدن مساله قوم‌گرایی در میان ترک‌ها، بلوچ‌ها و کردها در ایران، به نقد دیدگاه‌های قدیمی گرایان و ابزار گرایان پرداخته و در نهایت سه متغیر دولت مدرن، نظام بین‌الملل و نقش نخبگان را در بروز قوم‌گرایی موثر دانسته و در این میان بیشترین تأکید را روی نظام بین‌الملل و نخبگان قومی در سیاسی شدن اختلافات زبانی و مذهبی گذاشته است.

مقصودی (۱۳۸۰) به مطالعه سیاسی شدن قوم‌گرایی در میان اقوام ایران با رهیافتی بین رشته‌ای پرداخته و با انتخاب روش تاریخی - تطبیقی برای گردآوری داده‌ها از اسناد و آمار استفاده کرده است. پژوهشگر در بُعد سیاسی متغیرهایی مانند: تضعیف الگوی دولت - ملت، کاهش قدرت حکومت مرکزی، عدم استقرار نظام شهروندی، عدم استقرار جامعه مدنی، ساخت نظام بین‌الملل، مساعد بودن زمینه بروز و افزایش ستیزه‌های قومی، رقابت ابرقدرت‌ها، موقعیت جغرافیایی، قلمرو فضایی و وضعیت توپوگرافی دانسته و تنها ساخت نابرابر اجتماعی را مهم‌ترین عامل جامعه‌شناختی بیان می‌کند و در بُعد روانی از محرومیت نسبی به عنوان عنصری موثر در تحلیل بروز ستیزه‌های قومی سخن گفته است.

صالحی امیری (۱۳۸۵) برای بررسی سیاست قومی در ایران معاصر و الگوی مطلوب مدیریت سیاست قومی در دوران جمهوری اسلامی ایران این پرسش را مطرح می‌کند: کدام الگوی سیاست قومی که متناسب با جامعه و کشور اسلامی باشد، بایستی برای مدیریت منازعات قومی در ایران طراحی شود؟ وی بر این نظر است که در ایران ما دچار نقص در شناخت اقوام، نقص در شناخت تجربه موفق سایر کشورها و نقص در الگوی سیاسی کشور هستیم. او برای "بررسی مقایسه‌ای توسعه یافتگی استان‌های کشور در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۲۳ شاخص فرهنگی، ۳۶ شاخص اقتصادی و ۵۷ شاخص اجتماعی را، در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، در نظر گرفته

است و بر اساس این شاخص‌ها نشان می‌دهد که وضعیت استان‌های قومی کشور از نظر احراز رتبه توسعه یافتگی با استان‌های برخوردار کشور معنادار است" (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۴۲۸). پژوهشگر نتیجه‌گیری می‌کند که سیاست قومی در ایران معاصر و الگوهای مدیریتی مبتنی بر آن، هیچ‌گاه با اقتضانات محیطی، اجتماعی و تنوع فرهنگی و قومی موجود در ایران سازگار نبوده است.

جلایی پور (۱۳۸۵) در کتاب *فراز و فرود جنبش ملی کرد، با اتکا به "نظریه تاسیسی"*، قوم‌گرایی کردها در ایران را به عنوان یک جنبش در نظر گرفته و برای تبیین مساله به یازده عامل موثر در این قضیه اشاره می‌کند. پژوهشگر این علل را به دو گونه علل موثر^۱ و علل زمینه‌ای^۲ تقسیم می‌کند. در بخش علل موثر از فرهنگ متمایز قومی، سقوط دولت مرکزی و احزاب کردی و در بخش علل زمینه‌ای از جغرافیای سیاسی، ویژگی ملی، بحران نفوذ دولت در این مناطق و کوهستان‌های بلند نام می‌برد و علل شکست جنبش را اتخاذ سیاست خودمختاری و عدم حمایت سایر دولت‌ها بر می‌شمارد.

علی‌زاده (۱۳۸۷) برای "بررسی عوامل مؤثر بر فعال شدن احساس شکاف قومی در بین دبیران مقطع متوسطه شهر سنندج" به سنجش میزان محرومیت نسبی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پرداخته است. او به این نتیجه رسیده است که از نظر دبیران مهمترین محرومیت از نوع سیاسی و فرهنگی است و احساس محرومیت اجتماعی دارای کمترین اهمیت است.

انتصار^۳ (۱۹۹۲) ضمن بررسی تاریخی مساله قوم‌گرایی در میان کردهای ترکیه، عراق و سوریه، فصلی را نیز به کردستان ایران اختصاص داده است و قوم‌گرایی آنان را

^۱ . Push causes

^۲ . Background causes

^۳ . Entessar

از نوع ناسیونالیسم قومی می‌نامد. وی عوامل موثر بر این نوع از قوم‌گرایی را چهار عامل زبان، مذهب، نابرابری سیاسی و نابرابری اقتصادی دانسته است.

کوهی‌کمالی^۱ (۲۰۰۴) در کتاب محققانه خود به این نتیجه رسیده است که قوم‌گرایی کردها در ایران تابعی از سطح توسعه اقتصادی آن‌ها است. ولی^۲ (۲۰۰۵) در یک مقاله تحقیقی به این نتیجه رسیده است که ناسیونالیسم کُرد همچون هویت کُرد، ناسیونالیسمی چند پاره است. این ناسیونالیسم چند تکه، ناشی از وضعیت کردستان و تقسیم آن در بین چهار کشور منطقه است که هر کدام از جانب حکومت‌هایی با ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی متفاوت اداره می‌شوند. این وضعیت در نهایت وحدت سیاسی و فرهنگی کُردها را از میان برده است. وی کُردها را بزرگترین ملت بدون دولت در جهان امروز با جمعیتی نزدیک ۳۰ میلیون نفر می‌داند که در چهار کشور ترکیه، عراق، سوریه و ایران ساکن هستند. وی معتقد است که کشورهای یاد شده همگی هویت ملی کُردها را انکار می‌کنند و خواسته‌های سیاسی و فرهنگی کُردها را با خشونت پاسخ می‌دهند. رومانو^۳ (۲۰۰۶) نیز در بخشی از کتاب خود به مساله بسیج در قوم‌گرایی کرد و ساخت فرصت سیاسی در ایران پرداخته و قوم‌گرایی کردها در ایران را وابسته به ساخت فرصت سیاسی دانسته و در بخش بسیج به این نتیجه رسیده است که عنصر مذهبی مانعی جدی برای بسیج قومی کردهای شیعه مذهب در ایران بوده است.

بیشتر پژوهش‌های یاد شده به روش کتابخانه‌ای و از زوایایی گوناگون (علوم سیاسی، جامعه‌شناسی) به انجام رسیده‌اند. در هیچ کدام از این پژوهش‌ها به نظر و

^۱. Koohi Kamali

^۲. Vali

^۳. Romano

نگرش پاسخگویان توجه نشده و کار پیمایشی در این رابطه به ندرت به انجام رسیده است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌هایی که به توضیح و تبیین قوم‌گرایی می‌پردازند متنوع، نوپا و در حال گسترش‌اند. احمدی پارادیم‌های قومی را در دو دسته قدیمی‌گرایان و نوگرایان، اسمیت آن‌ها را در چهار پارادیم ازلی انگاری،^۱ مدرنیستی،^۲ نماد پردازی قومی^۳ و دیدگاه‌های جدیدتر فرهنگ‌گرا^۴ و اوزکریملی علاوه بر نظریه‌های یاد شده به نظریه‌های فمینیستی در ایجاد قوم‌گرایی اشاره دارند. مقصودی و صالحی امیری، مقوله‌های گوناگونی را در قوم‌گرایی موثر می‌دانند (احمدی، ۱۳۷۸؛ اسمیت، ۱۳۸۳؛ اوزکریملی، ۱۳۸۳؛ مقصودی، ۱۳۸۰؛ صالحی امیری، ۱۳۸۵).

جیمز گودمن نظریه‌های قوم‌گرایی را در پنج گروه تقسیم‌بندی می‌کند: "نظریه‌های قومی - ملی - که بر محتوای قومی ناسیونالیسم تاکید دارند - ، نظریه‌های مدرن سازی، نظریه‌های کشور محور، نظریه‌های طبقه محور و نظریه‌های توسعه ناموزون" (لوکاچ، ۱۳۸۳: ۶۱۶). مالشویچ در یک تقسیم‌بندی جدید تر از هشت رویکرد نام می‌برد: "نظریه‌های کلاسیک، نو مارکسیست، کارکردگرایی، کنش متقابل نمادی، انتخاب عقلانی، نظریه نخبگان، نظریه نووبری‌ها و رویکرد ضد بنیاد گرایی" (Malešević, ۲۰۰۴). یکی از مهم‌ترین تقسیمات نظری برای توضیح مسائل قومی، وجود دو پارادیم قدیمی‌گرایان و نوگرایان است که در ادامه بطور اختصار به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

^۱ . Primordialism

^۲ . Modernist

^۳ . Ethno symbolism

^۴ . Culturalist

پارادیم قدیمی (ازلی) گرایی: این پارادیم مشتمل بر رویکردهای متنوعی است که از عوامل زیستی تا فرهنگی را در برمی گیرد. از قدیمی گرایانی که به نقش عوامل ژنی و زیستی در قوم گرایی معتقدند، پیر وان دن برگه^۱ و از فرهنگ گرایان ادوارد شیلز^۲ و کلیفورد گیزرتز^۳ را می توان نام برد. هردو دیدگاه در این باور مشترکند که قومیت و ناسیونالیسم پدیده ای قدیمی و دیرینه بوده و فرد یک حس همبستگی و عاطفی نسبت به آن دارد. "ازلی گرایی به مفهومی از قومیت و ملیت اشاره دارد که بر - ویژگی های واقعی، پایدار و بنیادهای گروهی تاکید دارد. تعلقات خاطر ازلی گرایی مانند: زبان، نژاد، قرابت، مذهب، سرزمین و سنت از نظر بنیادی و روانشناسی غلبه ناپذیر تلقی می شود" (ماتیل، ۱۳۸۳: ۹۴۵). ازلی گرایی غیر از رویکرد پیوستگی و انقطاع تاریخی قومیت، از نظر نوع هم دیگرگونه است: در واقع "رهیافت ازلی انگاری قومی، به سه رویکرد - طبیعت گرا، زیست شناختی اجتماعی و فرهنگ محور تقسیم می شود" (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۸۵).

رویکرد طبیعت گرا، مدعی است که هویت های قومی، جزئی از طبیعت آدمی است و مثل یکی از حس های طبیعی موجود در بدن است. رویکرد زیست شناختی اجتماعی بر این فرض استوار است که موجود زنده چیزی نیست جز دی. ان. ای. ی. یکی از متفکرین رویکرد زیست شناختی اجتماعی در حوزه قومیت پیر وان دن برگه است. وی چنین استدلال می کند که قومیت، نژادپرستی و گاهی ناسیونالیسم در ژن ریشه دارند و با فرهنگ شکل گرفته و تغییر شکل می دهند. "انسان ها از نظر برخی ویژگی های زیست شناختی با دیگر حیوانات مشترک هستند و قومیت ادامه خویشاوندی است" (ماتیل، ۱۳۸۳: ۱۲۰۲). دن برگه از آنجا که می داند همه رفتارهای

^۱ . Pirre van den Berghe

^۲ . Edward Shills

^۳ . Glifford Geertz

^۴ (دی.ان.ا. - DNA)

اجتماعی را با ژن نمی‌توان توضیح داد از دو عامل دیگر که در تعامل اجتماعی نقش دارند نام می‌برد؛ یکی از این عوامل اجبار و دیگری مبادله است. در اجبار، رابطه یک سویه است اما در معامله، رابطه دو سویه بوده و هر دو طرف سود می‌برند (ماتیل، ۱۳۸۳: ۱۲۰۲).

متفکران رویکرد فرهنگی قومیت، ادوارد شیلز و کلیفورد گیرتزهستند. "گیرتز از تعلقات قومی بر قرابت خونی، زبانی، دینی و برخی رویه‌های خاص اجتماعی تاکید دارد" (اوزکریمی، ۱۳۸۳: ۹۵). اما شیلز بر این باور است که "هویت ملی ریشه‌های عمیقی در باورهای مذهبی و شیوه‌های قومی دارد که از روزگار کهن وجود داشته است. "توجه اصلی این‌ها بر پیوندهای عاطفی بسیار درونی است که از طریق اجتماعی شدن برقرار می‌شوند و افراد را به خویشان و اجتماع متصل می‌سازند" (اسمیت و وست، ۱۳۸۳: ۶۹۳). در این دیدگاه برداشت و اعتقاد نظری افراد مهم انگاشته می‌شود. "ازلی گرایان متعلق به حوزه فرهنگ پژوهی به اصالت قلمرو زندگی، خویشاوندی، رسوم، سنن، زبان و مذهب در استحکام ایدئولوژی ناسیونالیستی عطف توجه دارند" (اسمیت و وست، ۱۳۸۳: ۶۹۳).

پارادیم نوگرایی: در حالی که قدیمی گرایان متوجه عناصر فرهنگی قومی هستند، پارادیم نوگرایی متوجه علل سیاسی شدن عناصر فرهنگی قومیت در دوران مدرن است. برخی از متفکرین این پارادیم یک عامل و برخی چند عامل را در سیاسی شدن قوم‌گرایی موثر می‌دانند. در ادامه به اختصار هر کدام از این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها را توضیح خواهیم داد.

نظریه‌های سیاسی: از نظریه‌های سیاسی قوم‌گرایی می‌توان به نظریه گرهارد لسنسکی، فرانک پارکین، میلتن ایسمن، آیرات آکلائف اشاره کرد. این نظریه‌ها نقش قدرت و امتیازات ناشی از آن و در مقابل نقش بی‌قدرتی و عوارض ناشی از آن را در قوم‌گرایی موثر می‌دانند. این متفکران عامل قدرت را گاه به نقش دولت، گاه ایدئولوژی و گاه به جغرافیای سیاسی پیوند می‌زنند. لسنسکی در این رابطه بر نقش قدرت دولت و

امتیاز ناشی از آن تاکید دارد. از نظر او "قدرت باعث دسترسی به امتیازات مادی می شود و این امتیازات مادی در نهایت باعث حیثیت برای گروه صاحب قدرت می شوند" (گرب، ۱۳۸۱: ۱۶۶). گروه قومی که از این قدرت محروم است، قوم‌گرایی در آن تقویت می شود. پارکین هم نقش نابرابری را در قوم‌گرایی برجسته می‌بیند و آن را ناشی از قدرت می‌پندارد و معتقد است برخی از گروه‌ها بواسطه قدرت، دیگر گروه‌ها را از دست‌یابی به منابع و فرصت‌ها محروم می‌سازند و این محرومیت می‌تواند به عنوان عاملی برای قوم‌گرایی عمل کند. ایسمن نیز نقش دولت را به عنوان متغیر زمینه‌ای در ایجاد نابرابری اقتصادی جدی می‌پندارد. از نظر وی انقباض یا انبساط اقتصادی که در شدت و ضعف قوم‌گرایی تاثیر دارد، در اختیار دولت است. دولت تعیین کننده ارزش‌هاست و آموزش و استخدام و گزینش در اختیار دولت می‌باشد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۹۶؛ Esman, ۲۰۰۴: ۴۴۷; Montiwille, ۱۹۹۰). از نظر آیرات آکلانف قوم‌گرایی ناشی از تغییرات دوره گذار است و گروه‌های (قومی) که در جریان گذار، قدرت خود را از دست می‌دهند، تلاش می‌کنند آن را بازستانند (صالحی امیری، ۱۳۸۵).

نظریه‌های اجتماعی: در گروه نظریه‌های اجتماعی می‌توان به نظریه شکاف اجتماعی استین روکان، رقابت بر سر منابع و نظریه گوبوگلو اشاره داشت. استین روکان قوم‌گرایی را ناشی از تغییرات خاص تاریخی و شکاف‌های اجتماعی می‌پندارد. او علت شکاف قومی را جزء پیامدهای انقلاب صنعتی و سیاسی پنداشته و معتقد است که این تغییرات باعث می‌شوند که "یک گروه زبانی بر گروه دیگر و یک گروه دارا بر یک گروه ندار غالب شوند" (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۵). دیگر نظریه پردازان، قوم‌گرایی را ناشی از رقابت بر سر منابع و از جمله مشاغل دولتی می‌دانند. در واقع در چنین حالتی برخی از گروه‌های قومی با تکیه بر علایق گروهی می‌خواهند به امتیازاتی برسند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۵). از نظر گوبوگلو قوم‌گرایی ریشه در دسته بندی‌های اجتماعی و

غصب اجتماعی موقعیت‌ها دارد. "غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز توسط یک گروه باعث ایجاد قوم‌گرایی در دیگر گروه‌ها می‌شود" (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۸۶).

نظریه‌های اقتصادی: از مهم‌ترین این نظریه‌ها می‌توان به نظریه استعمار داخلی مایکل هچتر، رقابت منتشره‌انان و توسعه نامتوازن تام نیرن اشاره کرد. هچتر مفهوم استعمار داخلی لنین را برای واحدهای قومی در درون کشور به کار می‌گیرد. "هچتر نابرابری اقتصادی میان گروه‌های قومی را ناشی از یک تقسیم کار فرهنگی می‌داند" (Ramazanzadeh, ۱۹۹۴: ۷۲). در این تقسیم کار فرهنگی، کارها بر اساس مولفه‌های قومی تقسیم شده که در نتیجه آن، آگاهی و اتحاد میان گروه‌های قومی که در کارهای کم امتیاز مشغول به کار هستند تقویت می‌شود. اما هانان معتقد است که "در جریان رقابت اقتصادی، برخی از گروه‌های قومی در مقایسه با دیگران کم آورده و این امر باعث همبستگی در میان آنان می‌شود" (اصغری فرد، ۱۳۷۵: ۴۳). از نظر تام نیرن قوم‌گرایی ناشی از توسعه نامتوازن بر اساس جغرافیای قومی است (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). "نظریه توسعه نامتوازن معطوف به عواملی مانند: شرایط طبیعی و جغرافیایی، شرایط جمعیتی، ساختار برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها و سیر وجهت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد که برای برخی مناطق کشور، توسعه اقتصادی و برای تعدادی دیگر از مناطق، عدم توسعه را به همراه می‌آورد" (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

نظریه‌های فرهنگی: بر اساس نظریه‌های فرهنگی، قوم‌گرایی ناشی از عناصر ذهنی و فرهنگی است. از نظریه‌های این مجموعه می‌توان به نظریه ارنست گلنر، بندیکت اندرسون و آنتونی اسمیت اشاره کرد. گلنر اعتقاد دارد که ملت یک پدیده پیشینی نیست بلکه وجودی است که کم‌کم باید آن را بنیاد نهاد. این امر بدان معنا است که نقش ذهنیت و ایدئولوژی در ناسیونالیسم برجسته و جدی است. گلنر معتقد است جوامع دارای ادبیات کشاورزی ماقبل مدرن، جایی برای ناسیونالیسم ندارند. از نظر گلنر فرهنگ جدید و دولت جدید وابستگی متقابلی به هم دارند و وجود یکی وابسته به

وجود دیگری است. "فرهنگ مرکزی برای نهادینه شدن نیاز به یک دولت مرکزی دارد و دولت مدرن نیز نیاز به یک فرهنگ معین برای استحکام بخشیدن به بنیادهایش، دارد" (وریا، ۲۰۰۶: ۴۳-۴۴). از آنجا که فرهنگ مرکزی، در تضاد با فرهنگ‌های حاشیه‌ای قرار می‌گیرد، گروه‌های پیرامونی به این فرهنگ مرکزی واکنش نشان می‌دهند. در چنین حالتی زبان و مذهب دولت مرکزی حالت رسمی پیدا می‌کند و میراث فرهنگی کسانی که نمی‌خواهند پیرو و تابع فرهنگ مرکزی باشند، نادیده گرفته شده و آن‌ها به حد شهروند درجه دوم تنزل می‌یابند.

اندرسون بر این نظر است که ملیت و ناسیونالیسم از سازه‌های فرهنگی از نوع خاصی‌اند (Anderson, 1991: 4). از نظر وی کاهش نفوذ مذهب و سنن پادشاهی از یک سو و افزایش سرمایه داری چاپ^۱ از سوی دیگر، پیش‌زمینه‌های ناسیونالیسم قومی را فراهم می‌کنند. اندرسون در این رابطه بر سرمایه داری چاپ - رادیو، روزنامه و دیگر رسانه‌ها را در بر می‌گیرد - تأکید دارد. این وسایل ارتباطی از یک زبان استفاده می‌کنند و این زبان واحد باعث می‌شود که ذهنیت افراد شکل واحدی نسبت به یک مسئله به خودگیرد و همین ذهنیت باعث می‌شود که رفتار افراد استفاده کننده از این رسانه‌ها به هم نزدیک شود. به عقیده اندرسون "پیدایش تکنولوژی ارتباطی شالوده آگاهی ملی است" (اسمیت و وست، ۱۳۸۳: ۶۹۵).

اسمیت بر این باور است که قوم‌گرایی از راه سیاسی کردن عناصر فرهنگ قومی به انجام می‌رسد. از نظر او ناسیونالیسم قومی یک خصلت مهم ذهنی دارد و این ذهنیت عوامل قومی که خصلتی نمادین دارند و مناسب سیاسی کردن هستند را بر می‌گزیند. بهره‌گیری از عناصر فرهنگ قومی برای قوم‌گرایی، دلبخواهی نیست و قوم‌گرایان نمی‌توانند به هر سنتی معنا ببخشند بلکه این نمادها از عناصری سرچشمه می‌گیرند که مردم آن‌ها را باز می‌شناسند و به آن‌ها اعتماد می‌کنند (Smith: 1986, 1998, 2001).

^۱ . Print Capitalism

نظریه‌های چند عاملی : در این رویکردها به جای تکیه بر یک عامل بر مجموعه‌ای از عوامل تکیه می‌شود. اسملسر^۱ و ابرس چال^۲ قوم‌گرایی را نوعی رفتار جمعی می‌پندارند که ناشی از مجموعه عواملی مانند: شرایط ساختی، محرومیت عینی اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی ناشی از شرایط ساختی، آگاهی از احساس محرومیت، تبلور یک ایدئولوژی و عوامل شتاب‌زا می‌باشد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۸۶). در نظریه چند عاملی روتچیلد^۳ و شاپفلین^۴ مجموعه‌ای از عوامل ذهنی و عینی در قوم‌گرایی نقش دارند. عوامل ذهنی مشتمل بر متغیرهای روانشناختی، ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی هستند و عوامل عینی مرتبط با عناصر اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. نظریه محرومیت نسبی تد رابگر، بر برداشت ذهنی از محرومیت تاکید دارد. این برداشت ذهنی بازیگران، ناشی از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی‌شان تعریف می‌شود. "انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی‌ای هستند که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که مردم فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آنها را دارند. به بیان دیگر تفاوت بین آنچه مستحق آن هستیم و آنچه عملاً می‌توانیم کسب کنیم" (گر، ۱۳۷۶: ۵۴-۵۳). در جمع بندی این نظریه‌ها می‌توان گفت که قدیمی‌گرایان عوامل جدید و تغییرات اجتماعی را در نظر نمی‌گیرند و نوگرایان به زمینه‌های قدیمی و فرهنگی توجه چندانی ندارند. به نظر می‌رسد برای بررسی قوم‌گرایی بایستی یک چارچوب نظری جدید تلفیقی در نظر گرفت که از سویی به زمینه‌ها و تنوعات فرهنگی توجه داشته باشد و از دگر سو متوجه نقش نابرابری‌های گوناگون و در عین حال عوامل آگاهی بخش هم باشد.

چارچوب نظری پژوهش

^۱ . Smelser

^۲ . Obers Chall

^۳ . Rotchild

^۴ . Shapflin

شواهد متعدد نشان می‌دهند که قوم‌گرایی پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و تاریخی است و در شرایط گوناگون سیاسی، اجتماعی و تاریخی به شکل‌های گوناگون نمایان می‌شود. قومیت یک پدیده تاریخی تحول پذیر است که با عوامل چندی در ارتباط است. (Giles, 1997: 16). ما در این پژوهش یک چارچوب چند عاملی (تلفیقی)، برای قومی‌گرایی در نظر گرفتیم که در برگیرنده عوامل تفکیک، عوامل تبعیض و عوامل آگاهی بخش می‌شود. دلیل انتخاب این چارچوب از سویی ملاحظه رویکردهای نظری قوم‌گرایی و از دگر سو مدائقه در زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مساله مورد مطالعه است. عوامل تفکیک عوامل فرهنگی و اغلب قدیمی بوده و جزء عناصری هستند که باعث می‌شوند، قومی بواسطه آن‌ها خود را باز شناسد، از مهمترین عوامل تفکیک می‌توان از زبان و مذهب قومی نام برد. عناصر تبعیض مرتبط با دوران جدید بوده و ناشی از تغییرات اجتماعی‌اند. از عوامل تبعیض می‌توان احساس تبعیض (سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی) را نام برد. عناصر تفهیم یا آگاهی بخش آنهایی هستند که آگاهی قومی را باعث شده و یا آن را تقویت کرده و شتاب می‌بخشند. از عوامل آگاهی بخش می‌توان به نقش رسانه‌های مصرفی (تلویزیون ماهواره‌ای) اشاره کرد.

این چارچوب تلفیقی از سویی در برگیرنده عوامل ازلی (قدیمی) و مدرن قوم‌گرایی بوده و از دگر سو عوامل مهم ذهنی و عینی را بطور همزمان مد نظر دارد. این چارچوب توضیح می‌دهد که ذهنیت یک فرد در مورد قوم‌گرایی، متاثر از زمینه‌های فرهنگی، عوامل نابرابری و عوامل آگاهی بخش است. بر پایه این چارچوب نظری، هفت فرضیه تدوین شده است که در پژوهش به آزمون آن‌ها پرداخته‌ایم.

فرضیه‌های پژوهش:

۱- بین نوع گویش فرد (کرمانجی، سورانی، اورامی و کلهری) با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد.

- ۲- بین نوع مذهب فرد (سنی، شیعه و یارسان) با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد.
- ۳- بین محل پرورش فرد (شهر، روستا) با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد.
- ۴- بین نوع رسانه مصرفی فرد (تلویزیون) با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان احساس تبعیض سیاسی در فرد و میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان احساس تبعیض فرهنگی در فرد و میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان احساس تبعیض اجتماعی- اقتصادی در فرد و میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد.

تعریف متغیرها

قوم‌گرایی سیاسی: قوم‌گرایی سیاسی عبارت است از: احساس، علاقه، تعهد، تفکر، رفتار و تلاش برای خواست‌های قومی در حوزه‌ای سیاسی. برای سنجش قوم‌گرایی سیاسی پنج شاخص در نظر گرفته شده است: احساس داشتن یک میهن، اداره امور سیاسی مربوط به خود (در سطح منطقه قومی)، خواست مشارکت سیاسی در مدیریت کلان (در سطح کشور)، خواست داشتن انجمن‌های خاص سیاسی قومی و اعتماد به احزاب قومی. میزان قوم‌گرایی سیاسی با استفاده از شش گویه (طیف لیکرت) و بر اساس ویژگی‌های پیش‌تر یاد شده سنجیده می‌شود. سطح سنجش این متغیر رتبه‌ای بوده و در نهایت پاسخگویان در یکی از سه طبقه قوم‌گرایی کم، متوسط و زیاد قرار گرفته‌اند.

احساس تبعیض سیاسی: "منظور از تبعیض سیاسی این است که اعضاء گروه قومی به شکلی نظام‌مند از برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های سیاسی، در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه‌شان، محدود بوده و یا هستند" (گر، ۱۳۸۱: ۴۰۶). برای متغیر احساس تبعیض سیاسی پنج شاخص در نظر گرفته شده است: احساس تقسیم ناعادلانه پست‌ها در مناطق قومی، باور به انسداد گردش نخبگان قومی، باور به عدم اعتماد یکسان دولت به اقوام، احساس وجود مانع قانونی در قبال خواست‌های قومی و احساس گزینش نا یکسان برای اعضاء قومی در آموزش و استخدام. میزان احساس تبعیض سیاسی با استفاده از پنج گویه (طیف لیکرت) و بر اساس ویژگی‌های پیش‌تر یاد شده سنجیده می‌شود. سطح سنجش این متغیر رتبه‌ای بوده و در نهایت پاسخگویان در یکی از سه طبقه احساس تبعیض سیاسی کم، متوسط و زیاد قرار گرفته‌اند.

احساس تبعیض اقتصادی و اجتماعی: "گروه‌ها در جایی هدف تبعیض اقتصادی - اجتماعی هستند که اعضاء آن‌ها به صورت نظام‌مند از دسترسی به شرایط و موقعیت‌های اجتماعی برابر و کالاهای اقتصادی مطلوب که برای سایر گروه‌های موجود در جامعه آزاد و باز می‌باشد، دور نگه داشته شده و جلوگیری شوند" (گر، ۱۳۸۱: ۴۰۲). برای متغیر میزان احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی پنج شاخص در نظر گرفته شده است: احساس میزان بیکاری بیشتر در منطقه، احساس تبعیض در سرمایه‌گذاری صنعتی در منطقه قومی، باور به امکانات آموزشی ناکافی در منطقه، باور به سرمایه‌گذاری کم در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر نقاط کشور و احساس برخورداری از امکانات کمتر بهداشتی و درمانی در منطقه. میزان احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی با استفاده از پنج گویه (طیف لیکرت) و بر اساس ویژگی‌های پیش‌تر یاد شده سنجیده می‌شود. سطح سنجش این متغیر رتبه‌ای بوده و در نهایت پاسخگویان در یکی از سه طبقه احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی کم، متوسط و زیاد قرار گرفته‌اند.

احساس تبعیض فرهنگی: "منظور از تبعیض فرهنگی این است که اعضاء گروه قومی به شکلی نظام‌مند از برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های فرهنگی، در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه‌شان، محدود بوده و یا هستند" (گر، ۱۳۸۱: ۳۲۶). برای متغیر احساس تبعیض فرهنگی پنج شاخص در نظر گرفته شده است: احساس ممانعت از تدریس زبان کردی، احساس وجود مانع اداری به خاطر داشتن مذهبی خاص، احساس نارضایتی از پخش برنامه‌های قومی صدا و سیما، احساس میزان پایین نشر به زبان قومی و احساس عدم آزادی در نامگذاری کودکان. این احساس با استفاده از پنج گویه (طیف لیکرت) و بر اساس ویژگی‌های پیش‌تر یاد شده سنجیده می‌شود. سطح سنجش این متغیر رتبه‌ای بوده و در نهایت پاسخگویان در یکی از سه طبقه احساس تبعیض فرهنگی کم، متوسط و زیاد قرار گرفته‌اند.

دین: "دین پاسخ‌های متنوع انسان است به واقعیت متعالی" (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸: ۲۴۰). دین در واقع به معنای اعتقاد به یک امر قدسی است. به مکتب‌های فکری درون یک دین، مذهب گفته می‌شود. سطح سنجش این متغیر اسمی بوده و با یک سوال نوع مذهب فرد مشخص شده است. پاسخ‌گویان از نظر مذهب پیرو سه مذهب تشیع، تسنن و یارسان هستند.

زبان: "زبان سیستمی از اصوات و نوشتار است که مردم خاص کشوری با آن صحبت می‌کنند" (Oxford Dictionary, ۲۰۰۴). "از نظر فنی لهجه^۱ محدود به توصیف وجهی تلفظی است که مشخص می‌سازد متکلم متعلق به کدام ناحیه (مکانی یا اجتماعی) است. گویش^۲ عبارت است از توصیف ویژگی‌های دستوری و واژگانی که وجوه تلفظی را هم در بر می‌گیرد" (Yule, ۲۰۰۶: ۷۲). سطح سنجش این متغیر اسمی

^۱ . Accent
^۲ . Dialect

بوده و با یک پرسش از فرد نوع گویش او مشخص شده است. پاسخ گویان از نظر گویش به چهار گویش کرمانجی، سورانی، اورامی و کلهر قابل تقسیم هستند.

محل پرورش: منظور از محل پرورش فرد، مکانی است که شخص بیشترین سالهای زندگی خود را در آن جا سپری کرده است. در این پژوهش محل پرورش فرد، شهر یا روستا در نظر گرفته شده است. این متغیر با یک پرسش سنجیده می شود.

رسانه مصرفی: رسانه یک وسیله ارتباطی است که پیامی را از یک فرستنده به گیرنده می رساند. منظور از رسانه مصرفی، تلویزیون جمهوری اسلامی ایران و یا تلویزیون ماهواره قومی است. منظور از تلویزیون ماهواره ای قومی، رسانه ای است که به صورت غیرقانونی و به زبان قومی برنامه پخش می کند. سطح سنجش این متغیر اسمی بوده و با یک پرسش از فرد مشخص شده است که به کدام کانال ماهواره ای بیشتر نگاه می کند.

روش تحقیق، جمعیت آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

روش پژوهش، پیمایشی بوده و داده ها با استفاده از تکنیک پرسشنامه رویارو^۱ جمع آوری شده اند. واحد تحلیل آن فرد و سطح تحلیل آن خرد می باشد. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری^۲ و اعتبار محتوا^۳ و برای سنجش پایایی از آزمون آلفای کرونباخ^۴ استفاده شده است. ضریب آلفای کل برای متغیرهای مستقل و وابسته، بالای ۰/۷۵ بدست آمد که ضریب قابل قبولی برای سنجش پایایی پرسشنامه به حساب می آید.

جمعیت آماری شامل کلیه مردان ساکن مناطق کرد نشین ایران است که در زمان پژوهش بین ۱۸ تا ۶۵ سال سن داشته اند. جمعیت آماری این مناطق ۶۷۳۸۷۸۷ نفر

^۱ . Face to face

^۲ . Face Validity

^۳ . Content Validity

^۴ . Cronbach Alpha

است که با حذف زنان، اقوام دیگر، و جمعیت کمتر از ۱۸ سال و بالای ۶۵ سال، این عدد به ۱۸۰۰۰۰۰ نفر کاهش یافته است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه معادل ۳۸۶ نفر بدست آمد. آشکار است که فرمول کوکران برای نمونه گیری تصادفی و جمعیت‌های همگن کاربرد دارد، بنابراین برای رفع این مشکل از تکنیک طراحی اثر^۱ استفاده شد و پس از ضرب حجم نمونه بدست آمده از فرمول کوکران در عدد ۲ و گرد کردن آن حجم نهایی نمونه ۸۰۰ نفر تعیین گردید. بر اساس ملاحظات نظری، در عمل، مقدار هر خرده گروه را ۱۰۰ نفر انتخاب کردیم؛ به نظر دواس^۲ "در عمل، مساله تعیین کننده اصلی در تصمیم‌گیری درباره حجم نمونه بررسی جداگانه خرده گروه‌های گوناگون است، بنابر قاعده تجربی باید کاری کرد که کوچکترین خرده گروه دست کم دارای ۵۰ تا ۱۰۰ مورد باشد" (دواس، ۱۳۸۱: ۸۰). شیوه نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است و برای انتخاب نمونه‌ها به شیوه زیر عمل شده است:

(۱) با استفاده از نظر کارشناسان و اهداف پژوهش، هشت شهر (ارومیه، مهاباد، سنندج، پاوه، سرپل ذهاب، کرمانشاه، قروه و ایلام) به شیوه نمونه‌گیری نظری^۲ انتخاب شد. انتخاب ۶۰ درصد نمونه‌ها از شهر و ۴۰ درصد از روستا، با توجه به تناسب تقریبی جمعیتی در جامعه مورد مطالعه بوده است.

(۲) برای انتخاب نمونه‌های شهری براساس نقشه درمانگاه‌های شهری، دو تا سه در مانگاه در هر شهر انتخاب شده است. با توجه به وجود شماره اختصاصی خانوار در هر مرکز بهداشتی، با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده، سرخوشه^۳ از میان

^۱ . Design Effect

^۲ . Theoretical Sampling

^۳ - اولین خانه‌ای که برای نمونه‌گیری انتخاب می‌شود سرخوشه نام دارد. بعد از انتخاب سرخوشه، خانه‌های بعدی را بدین شیوه انتخاب کرده‌ایم که بعد از جا گذاشتن هر سه خانه، خانه چهارم برای نمونه انتخاب شده است. این فرایند ادامه داشته است تا خوشه ۱۰ تایی تکمیل شده است. در روستاهای انتخابی هم طبق همین روش عمل شده است.

خانوارهای وابسته به درمانگاه انتخاب شد. در محدوده هر مرکز بهداشتی دو یا سه خوشه ۱۰ تایی انتخاب شده است که جمعا در هر شهر ۶۰ نفر انتخاب و در نمونه وارد شده‌اند.

۳) برای انتخاب روستاهای شهرهای منتخب، با توجه به وجود اسامی روستاهای هر شهر، اسم روستاها را شماره گذاری کرده و بر اساس نمونه گیری تصادفی ساده، روستا یا روستاهای هر شهر نیز انتخاب شده است. در ادامه کار نمونه‌های روستایی به صورت خوشه‌ای تکمیل شده است.

یافته‌های توصیفی

درصد گویش پاسخگویان سورانی، کرمانجی، اورامی و کلهری به ترتیب ۳۹/۵، ۱۲/۸، ۱۳/۱ و ۳۴/۶ بوده است. ۵۰/۵ درصد از پاسخگویان پیرو مذهب تسنن و ۳۷ درصد پیرو مذهب تشیع و ۱۲/۵ درصد پیرو مذهب یارسان بوده‌اند. محل پرورش ۶۳/۱ درصد از پاسخگویان در شهر و ۳۶/۹ درصد در روستا بوده است. حدود ۴۷ درصد از پاسخگویان بیننده سیمای جمهوری اسلامی ایران، در حدود ۳۸ درصد بیننده تصاویر ماهواره‌های کردی و در حدود ۱۲ درصد بیننده ماهواره‌های فارسی زبان برون مرزی بودند.

نتایج تحلیل یک متغیره نشان داد که در بین افراد نمونه، میزان قوم‌گرایی سیاسی زیاد، متوسط و کم به ترتیب ۷۷/۲ درصد، ۲۲/۳ درصد و ۰/۰۵ درصد بوده است. میزان احساس تبعیض سیاسی زیاد، متوسط و کم در میان پاسخگویان به ترتیب ۶۵/۶ درصد، ۳۱/۲ درصد و ۳/۲ درصد و میزان احساس تبعیض فرهنگی زیاد در میان پاسخگویان در حدود ۵۷/۸ درصد، احساس تبعیض فرهنگی در حد متوسط در حدود ۴۰ درصد و احساس تبعیض فرهنگی کم در حدود ۲/۵ درصد بوده است. میزان احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی زیاد در میان پاسخگویان ۶۸/۷ درصد و احساس این نوع تبعیض

در حد متوسط در حدود ۲۸/۳ درصد بوده است و تنها ۲/۹ درصد از پاسخگویان میزان تبعیض اجتماعی- اقتصادی را در حد کم احساس کرده‌اند.

یافته‌های تبیینی

نتایج آزمون فرضیه‌ها در دو جدول، و بر اساس سطح سنجش متغیرها، به اختصار نشان داده شده است.

جدول ۱- رابطه نوع گویش، مذهب، محل پرورش و رسانه مصرفی با میزان

قوم‌گرایی سیاسی

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	خی دو	Uمن ویتنی	Sig.	کرامر V
فرضیه ۱	نوع گویش	قوم‌گرایی سیاسی	۲۷/۵۳	-	۰/۰۰۰	۰/۱۳۳
فرضیه ۲	نوع مذهب	قوم‌گرایی سیاسی	۳۵/۴۷	-	۰/۰۰۰	۰/۱۵۱
فرضیه ۳	محل پرورش	قوم‌گرایی سیاسی	-	۲۱۴	۰/۱۱۴	-
فرضیه ۴	رسانه مصرفی	قوم‌گرایی سیاسی	۷۲/۰۰	-	۰/۰۰۰	۰/۲۱۶

فرضیه ۱: آزمون خی دو نشان داد که نوع گویش فرد با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه معناداری داشته و ضریب کرامر نشان می‌دهد که شدت این رابطه ضعیف است و ما توانستیم فرضیه صفرمبتنی بر عدم وجود رابطه را رد کنیم. این بدان معناست که قوم‌گرایی سیاسی با نوع گویش زبان کردی در رابطه بوده و میزان آن در میان گویشوران سورانی، کرمانجی و اورامی بیشتر از کلهرهاست. این امر ممکن است ناشی

از این باشد که گویش سورانی، گویش رسمی چاپ و نشر و رسانه در کردستان ایران است و کرمانجی همین نقش را در کردستان ترکیه دارد.

فرضیه ۲: آزمون خی دو نشان داد که نوع مذهب فرد با میزان قوم گرایی سیاسی او رابطه معناداری دارد اما ضریب کرامر نشان می دهد که شدت این رابطه ضعیف است و ما توانستیم فرضیه صفر را در این مورد رد کنیم. این بدان معناست که نوع مذهب با میزان قوم گرایی سیاسی در ارتباط است و قوم گرایی سیاسی در میان کردهای سنی و یارسان بیشتر از کردهای پیرو مذهب تشیع است. این واقعیت با نتایج پژوهشگران دیگری همسو است که نقش مذهب را در قوم گرایی برجسته دیده اند (Entssar, ۱۹۹۲; Norbu, ۱۹۹۲؛ فکوهی، ۱۳۸۵).

فرضیه ۳: آزمون من ویتنی یو نشان داد که محل پرورش فرد با میزان قوم گرایی سیاسی او رابطه معناداری ندارد و ما نتوانستیم فرضیه صفر را رد کنیم. این بدان معناست که شهری و روستایی بودن فرد تاثیری بر میزان قوم گرایی سیاسی او ندارد. این نتایج بر خلاف دیدگاه نظری گلنر است که قوم گرایی را خاص جوامع شهری می پندارد.

فرضیه ۴: آزمون خی دو نشان داد که نوع رسانه مصرفی فرد با میزان قوم گرایی سیاسی او رابطه معناداری دارد، اما باز هم ضریب کرامر نشان می دهد که شدت این رابطه ضعیف است. بدین شیوه توانستیم فرضیه صفر را رد کنیم. این بدان معناست که میزان قوم گرایی سیاسی کسانی که از ماهواره کردی بیشتر استفاده می کنند بیشتر از میزان قوم گرایی سیاسی است کسانی که سیمای جمهوری اسلامی را تماشا می کنند. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق مقصودی (۱۳۸۰) و نظرات رومانو (۲۰۰۶) همسو است که رسانه ارتباطی بر آگاهی و هویت قومی تاثیرگذار است.

جدول ۲- رابطه میان احساس تبعیض سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با میزان قوم گرایی سیاسی

فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب اسپیرمن	Sig.
فرضیه ۵	احساس تبعیض سیاسی	قوم گرایی سیاسی	۰/۴۴۰	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۰/۳۸۹	قوم‌گرایی سیاسی	احساس تبعیض فرهنگی	فرضیه ۶
۰/۰۰۰	۰/۳۳۶	قوم‌گرایی سیاسی	احساس تبعیض اجتماعی	فرضیه ۷

فرضیه ۵: آزمون آماری همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که میزان احساس تبعیض سیاسی فرد با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده مثبت و شدت آن متوسط است. این بدان معناست که هر چه میزان احساس تبعیض سیاسی در فرد بیشتر شود میزان قوم‌گرایی سیاسی در او افزایش می‌یابد، بنابراین فرضیه صفر را می‌توان رد کرد.

فرضیه ۶: آزمون آماری همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین میزان احساس تبعیض فرهنگی در فرد با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده مثبت و شدت آن متوسط است. این بدان معناست که هر چه میزان احساس تبعیض فرهنگی در فرد بیشتر باشد میزان قوم‌گرایی سیاسی او نیز بیشتر است، بنابراین فرضیه صفر را می‌توان رد کرد.

فرضیه ۷: آزمون آماری همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین میزان احساس تبعیض اجتماعی-اقتصادی در فرد با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده مثبت و شدت آن متوسط است. این بدان معناست که هر چه میزان احساس تبعیض اجتماعی-اقتصادی در فرد بیشتر باشد میزان قوم‌گرایی سیاسی او نیز بیشتر است، بنابراین فرضیه صفر را می‌توان رد کرد.

تحلیل چند متغیره

برای تحلیل چند متغیره از رگرسیون چند متغیری گام‌به‌گام استفاده شده است. با توجه به سطح سنجش متغیرها، تنها سه متغیر مستقل وارد معادله رگرسیون شد. بر اساس داده‌های جدول ۳ معلوم شد که یکی از متغیرهای مستقلی که روی قوم‌گرایی سیاسی اثر مستقل زیادی گذاشته و بیشترین مقدار از تغییرات آن را تبیین می‌کند،

احساس تبعیض سیاسی است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیونی چند متغیره در جدول ۳ دیده می‌شود:

جدول ۳- ضرایب تحلیل رگرسیونی چند متغیره قوم‌گرایی سیاسی

متغیر مستقل	مقدار ضریب F	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار R Square تجمعی
احساس تبعیض سیاسی	۱۷۳/۵۲۲	۰/۴۳۱	۰/۰۰۰	۰/۱۸۶
احساس تبعیض اجتماعی	۱۰۳/۸۳۷	۰/۱۹۷	۰/۰۰۰	۰/۲۱۵
احساس تبعیض فرهنگی	۷۰/۹۳۶	۰/۰۹۷	۰/۰۰۰	۰/۲۱۹

بدین ترتیب این سه متغیر با هم در حدود ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. همانگونه که از نتایج جدول ۳ پیداست نتایج بدست آمده از تحلیل چند متغیره با نتایج بدست آمده از آزمون سه فرضیه تفاوت چندانی ندارد و رابطه میزان احساس تبعیض و میزان قوم‌گرایی سیاسی تایید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تعیین عوامل مرتبط با قوم‌گرایی سیاسی در میان کردهای ایران بود. چارچوب نظری پژوهش، چارچوبی تلفیقی بوده که در برگیرنده عوامل ازلی (قدیمی)، عوامل جدید و عوامل آگاهی بخش بوده که از آنها با عنوان عوامل تفکیک، تبعیض و تفهیم یاد شده و فرضیه‌ها از آنها استخراج گردیده است. یافته‌های توصیفی نشان داد که جامعه مورد مطالعه از نظر فرهنگی جامعه‌ای بسیار ناهمگون بوده و تنوع مذهبی و گویش در آن چشمگیر است. در عین حال، این بخش از کشور جزء مناطق توسعه نیافته محسوب شده و داده‌های توصیفی موید همین رویکرد است که میزان احساس تبعیض در زمینه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی در میان ساکنان آن بالاست. در این میان، میزان احساس تبعیض سیاسی بیشتر

از میزان احساس تبعیض اقتصادی-اجتماعی بوده و میزان احساس تبعیض فرهنگی از همه کمتر بوده است. در کل میزان قوم‌گرایی در سطح زیاد، در منطقه بالا بوده و همین امر می‌تواند به عنوان پتانسیلی برای جنبش قومی عمل کند. آزمون فرضیه‌ها نشان داد که میزان قوم‌گرایی سیاسی هم با عوامل قدیمی (ازلی) و هم با عوامل جدید و تکنولوژی ارتباطی (رسانه مصرفی)، رابطه‌ای معنادار دارد. در این میان مشخص شد که میزان قوم‌گرایی سیاسی با مذهب که یکی از عناصر تفکیک قومی است رابطه‌ای معنادار دارد. این بدان معناست که مذهب عاملی موثر بر میزان قوم‌گرایی سیاسی بوده و در این میان مذاهب تسنن و یارسان بیش از مذهب تشیع بر قوم‌گرایی سیاسی پیروان خود موثر بوده‌اند. با توجه به این امر که بخش عظیمی از کردهای ساکن استان‌های کرمانشاه و ایلام و همچنین شهرهای قروه و بیجار در استان کردستان پیرو مذهب تشیع هستند می‌توان گفت که مذهب عاملی فرهنگی است که قوم‌گرایی سیاسی کردهای ایران را دچار گسست کرده است. در عین حال مشخص شد که نوع گرایش فرد با میزان قوم‌گرایی سیاسی او رابطه‌ای معنادار دارد و در این میان، میزان قوم‌گرایی در میان کسانی که با گرایش کلهری صحبت می‌کنند کمتر از کسانی است که باگرایش سورانی و کرمانجی و اورامی سخن می‌گویند. نکته جالب توجه این است که مذهب و گرایش نه تنها بر میزان قوم‌گرایی بلکه بر پیامد آن نیز تاثیر گذار بوده‌اند. تجربه تاریخی موبد همین دیدگاه است که پیامد قوم‌گرایی سیاسی در میان استان‌های ایلام و کرمانشاه (منهای مناطق اورامی و یارسان) و شهرهای قروه و بیجار در استان کردستان کمتر از دیگر مناطق بوده است. آزمون فرضیه‌ها مشخص ساخت که نظرات افراد ساکن شهر و روستا در مورد قوم‌گرایی سیاسی مشابه است و رابطه میان آن‌ها معنادار نیست. در واقع با این دسته از متغیرهای (قدیمی) ازلی مشخص شد که نوع مذهب و گرایش با قوم‌گرایی سیاسی رابطه‌ای معنادار دارد.

در مورد متغیرهای احساس تبعیض و نابرابری، آزمون فرضیه‌ها مشخص ساخت که میان میزان احساس تبعیض در ابعاد سه‌گانه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی-

اقتصادی و میزان قوم‌گرایی سیاسی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. این دسته از آزمون‌ها نقش نابرابری و تبعیض و احساس تبعیض را مورد تایید قرار دادند. در ادامه مشخص شد که نوع رسانه مصرفی نیز با قوم‌گرایی سیاسی رابطه‌ای معنا دار دارد. بدین معنا که کسانی که بیشتر از رسانه تلویزیونی قومی استفاده می‌کنند نظر مساعد تری به قوم‌گرایی سیاسی دارند.

بدین شیوه با حذف متغیر محل پرورش، رابطه سایر متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مورد تایید قرار گرفت. این در واقع به معنای تایید اولیه چارچوب نظری پژوهش و ربط آن با زمینه تجربی پژوهش است. در واقع گرچه این چارچوب هنوز خام و قابل نقد و جرح و تعدیل است اما نشان داد که هم عوامل قدیمی و هم عوامل جدید و ارتباطی در قوم‌گرایی نقش دارند. در واقع تلاشی که برای پیوند میان قدیمی‌گرایان و نوگرایان در جریان بوده است مورد تایید قرار می‌گیرد. علاوه بر آن نقش عوامل رسانه‌ای در این رابطه قابل ملاحظه است. در واقع و به طور خلاصه می‌توان گفت که قوم‌گرایی پدیده‌ای است که از عوامل ذهنی و عینی متأثر بوده و متغیرهای تک‌عاملی در تبیین آن ناتوان هستند. یکی از دستاوردهای نظری این پژوهش به چالش کشیدن دیدگاه‌های نخبه‌گرایانه در ایجاد قوم‌گرایی است، چرا که معتقدان این رویکرد، قوم‌گرایی را ناشی از نقش و ابتکار نخبگان دانسته و به زمینه‌های فرهنگی و ذهنیتی کنشگران بی‌توجه بوده و یا اصلاً توجهی نداشته‌اند. پرسش این است که اگر قوم‌گرایی ناشی از نقش نخبگان است و عوامل زمینه‌ای و فرهنگی در آن دخیل نیستند، پس چرا نخبگان قومی نتوانسته‌اند کردهای پیرو مذهب تشیع را بسیج کنند؟

در بُعد عملی نتایج این پژوهش، در این مجال می‌توان گفت اولاً میزان احساس تبعیض فرهنگی و سیاسی بیش از میزان احساس اجتماعی-اقتصادی بر میزان قوم‌گرایی سیاسی موثر بوده است. این بدان معناست که نقش عوامل فرهنگی و سیاسی بیشتر از عوامل اجتماعی-اقتصادی است و قوم‌گرایی را ناشی از محرومیت صرف اقتصادی دانستن، نوعی تقلیل‌گرایی است. نکته قابل ملاحظه تجربی این پژوهش توجه به نقش

عوامل فرهنگی درون قومی مثل نوع مذهب و نوع گویش است که چنان تاثیری و رابطه‌ای با قوم‌گرایی دارند که می‌توان گفت این قوم‌گرایی دچار گسست شده است. تلاش برای اجرای عدالت و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای در زمینه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی، می‌تواند باعث کاهش احساس تبعیض و محرومیت در ابعاد گوناگون گشته و این کاهش میزان محرومیت که امری ذهنی و نسبی است در نهایت باعث کاهش میزان قوم‌گرایی سیاسی هم می‌شود. از جمله اقدامات عملی در این رابطه می‌توان به مشارکت دادن بیشتر نخبگان قومی در فرایندهای قدرت، توجه و اهمیت بیشتر به عناصر فرهنگ قومی در رادیو و تلویزیون، برگزاری مراسم برای تقدیر از مشاهیر قومی، سرمایه‌گذاری بیشتر صنعتی، کشاورزی و خدماتی در مناطق قومی اشاره کرد.

منابع :

- احمدی، حمید. (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی - از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- اسمیت، انتونی، دی. (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه: منصور انصاری، تهران: نشر تمدن اسلامی.
- اسمیت، آنتونی؛ هاچینسون، جان. (۱۳۸۶) ناسیونالیسم، ترجمه: مصطفی یونسی و علی‌مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسمیت، فیلیپ و وست، برد. (۱۳۸۳) فرهنگ پژوهی، دایره‌المعارف ناسیونالیسم، ترجمه: زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، جلد دوم، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.
- اصغری فرد، اعظم‌السادات. (۱۳۷۵)، "بررسی تطبیقی شکل غالب در الگوی همبستگی‌های اجتماعی در میان اقوام ایرانی. (ترک‌ولر) و عوامل اجتماعی موثر بر این

همبستگی"، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

- اوزکریملی، اوموت. (۱۳۸۳)، *نظریه‌های ناسیونالیسم*، ترجمه: محمد علی قاسمی، تهران: موسسه مطالعات ملی.

- ایوبی، حجت اله. (۱۳۷۷)، *شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره اول، بهار ۷۷.

- بالمر، مارتین؛ سولوموز، جان. (۱۳۸۱)، *مطالعات قومی و نژادی*، ترجمه: پرویز دلیر پور و سید محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴)، *جامعه شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی.

- تافلر، الوین. (۱۳۷۰)، *جابجایی قدرت*، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر نو.

- جلالی پور، حمیدرضا. (۱۳۷۲)، *کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- جلالی پور، حمید رضا.. (۱۳۸۵)، *فراز و فرود جنبش کردی*، تهران، انتشارات لوح فکر.

- دواس، دی. ای. (۱۳۸۱)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی، چاپ دوم.

- سابیر، ره فیق. (۲۰۰۸)، *کولتور و ناسیونالیسم*، کوردولوجی، سلیمانیه.

- شجاعی زند، علی رضا. (۱۳۸۸)، *جامعه شناسی دین؛ درباره موضوع*، تهران: نشر نی

- صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۸۵)، *مدیریت منازعات قومی در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژی.

- عبداللهی، محمد؛ حسین بر، محمد عثمان. (۱۳۸۵)، هویت جمعی و نگرش به دمکراسی در ایران، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۴، زمستان.
- عزیزی، ستار. (۱۳۸۵)، *حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین الملل*، همدان، انتشارات نور علم.
- علی زاده، خالد. (۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر فعال شدن احساس شکاف قومی در بین دبیران مقطع متوسطه شهر سنندج، *پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی همدان.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵)، فرهنگ ملی، فرهنگ قومی - جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۱.
- کوه شکاف، ناهید. (۱۳۸۰)، بررسی جامعه‌شناختی روند توسعه اقتصادی اجتماعی کردستان، *پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی*، رشت، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات.
- گر، تد رابرت. (۱۳۷۶)، *برخوردهای فرقه‌ای و امنیت جهان*، ترجمه: علیرضا محمد خانی، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره، ۱۱۵-۱۱۶، فروردین و اردیبهشت.
- گر، تد رابرت. (۱۳۸۱)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟*، ترجمه: علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گر، ادوارد ج. (۱۳۷۳)، *نابرابری اجتماعی*. (دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر)، محمدرضا سیاهپوش و احمدرضا غروی نژاد، تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴)، *چشم اندازهای جهانی*، ترجمه: محمد رضا جلالی پور، تهران: طرح نو، چاپ چهارم.

- لوکاچ، مایکل. (۱۳۸۳)، سازمان‌های فراملی، دایره المعارف ناسیونالیسم، ترجمه: زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، جلد دوم، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.
- ماتیل، الکساندر. (۱۳۸۳)، دایره المعارف ناسیونالیسم، ترجمه: زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه .
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: صاحب کوش.
- مک داول، دونالد. (۱۳۸۳)، تاریخ معاصر کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
- ممتاز، جمشید؛ رنجیریان، امیر حسین. (۱۳۸۴)، حقوق بین الملل بشر دوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران، نشر میزان.
- وریا، مه ریوان. (۲۰۰۶)، ناسیونالیسم و سه فه ر، سلیمانی، ره نج.
- هانتینگتون، ساموئل.. (۱۳۷۵)، "درگیری‌های سیاسی پس از جنگ سرد"، ترجمه: مجتبی امیری، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۹-۱۱۰.

- Anderson, B. (۱۹۹۱). *Imagined communities, Reflection on the origins spread of Nationalism*, Verso .

- Bugajski, J. (۱۹۹۵). *Ethnic politics in Eastern Europe*, The center for strategic and international studies.

- Entessar, N. (۱۹۹۲). *Kurdish ethno nationalism*, Lynne Reiner publisher, United states.

- Esman.J.M (۲۰۰۴). *An Introduction to Ethnic conflict*, Polity Book,

- Giles.H. (۱۹۹۷). *Languge, Ethnicity and intergroup relations*, London, European association of experimental social psychology.

- Gurr, T., R. (۱۹۹۳b). *Minority at risk: A global view of ethnopolitical conflicts*. Washington DC: United States institute of Peace.
- Jandt, F. E. (۱۹۹۵). *Intercultural Communication*. London: Sage- .
- Koochi Kamali.F (۲۰۰۴). *the political Development of the Kurds in Iran*, Macmillan.
- Malešević, S. (۲۰۰۴). *the Sociology of Ethnicity*, Sage.London.
- Montwille, J. (۱۹۹۰). *Conflict and peacemaking in multiethnic society*,*Lexington Books*, Masochist .
- Norbu, D. (۱۹۹۲). *Culture and Politics Of third World nationalism*, Rutledge, London.
- Peck ,C. (۱۹۹۸). *Substantial Peace* ,The role of the UN and Regional organization in preventing conflict,Rowman & Littlefield publisher.
- Remezanzadehh ,A. (۱۹۹۴). *Ethnic Conflict In Iran*. Acomparativestudy, Department Politick Weten Schappam, K.U Leuven PhD thesis.
- Romano, D. (۲۰۰۶). *The Kurdish Nationalist Movement*, Cambridge, Cambridge University press.
- Smith ,A. D. (۱۹۸۶). *The Origins Of Nations*, Oxford Press ,
- Smith ,A. D. (۱۹۹۸). *Nationalism and Modernism*, London &New York, Rutledge.
- Smith ,A. D. (۲۰۰۱). *Nationalism*.London, Polity Press.
- Vali,A. (۲۰۰۵). "*The Kurds and Their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics* ,"SAQE, London.
- Yule,G. (۲۰۰۶). *The Study of language, Third* edition, Cambridge university Press.